

تحلیلی تطبیقی از پیوند توسعه یافتگی و روند گسترش نظام شهرنشینی در ایران و جهان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۳/۱۸

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۵/۰۲/۱۰

کاوه امین نژاد (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)
بختیار عزت پناه* (استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند،
ایران)

چکیده

فرایند شهرنشینی در مناطق مختلف جهان از ابعاد و زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از این ابعاد مبحث توسعه است که نظرو توجه بسیاری از محققان عرصه شهر را به خود جلب نموده است. در این راستا تلاش‌های صورت گرفته در جهت بررسی پیوند میان توسعه یافتگی با فرایند شهرنشینی کشورها را می‌توان در ارزیابی میزان سلامت یا عدم سلامت روند تحولات نظام اجتماعی- اقتصادی یک جامعه ردیابی کرد. بدین نحو که هر چه همبستگی و نزدیکی میان بحث توسعه و فرایند شهرنشینی بیش تر و بالاتر باشد روند تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی- اقتصادی جامعه از درجه سلامت بیش تری برخوردار بوده و میزان آسیب‌های اجتماعی- اقتصادی و فرهنگی جامعه پایین تر خواهد بود و هر چه همبستگی میان این دو کم تر و فاصله آن‌ها از هم بیش تر باشد نشان از عدم تعادل و سلامت تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی- اقتصادی جامعه دارد و میزان آسیب‌ها در همه ابعاد بالا خواهد بود. هدف از نگارش این مقاله بررسی و ارزیابی میزان همبستگی میان شاخص‌های توسعه و نظام شهرنشینی در ایران می‌باشد به همین منظور، نخست به بررسی وجوه تفاوت نظام شهرنشینی در کشورهای شمال و جنوب پرداخته شده و سپس با استفاده از شاخص‌هایی همچون میزان تولید ناخالص داخلی، میزان سواد و اشتغال و مقایسه آن‌ها با نسبت‌های شهرنشینی کشور و استان‌ها طی دوره‌های مختلف آماری، سعی شده تا وضعیت توسعه در ارتباط با شهرنشینی ایران تبیین گردد. در این مقاله از روش تحلیلی- تطبیقی استفاده شده و جهت سنجش میزان توسعه یافتگی و نرخ شهرنشینی استان‌ها از تکنیک رتبه‌بندی بهره گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان پیوند و ارتباط میان شاخص‌های توسعه

* نویسنده رابط: dr_bezatpanah@yahoo.com

اقتصادی و انسانی با فرایند شهرنشینی در ایران بسیار ضعیف بوده و از الگوی مشخص و قابل فهمی پیروی نمی کند.

واژه های کلیدی: نظام شهرنشینی، توسعه یافتگی، پیوند شهرنشینی و توسعه، کشورهای شمال و جنوب، ایران

۱. مقدمه

به موازات تنوع فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، روندهای تاریخی و نحوه تکامل و پیشرفت جوامع مختلف جهان، گوناگونی‌های زیادی نیز در جریان بسط شهرنشینی یا الگوهای مقارن دیگر با شهرنشینی به چشم می‌خورد که هر یک بازتابی از خصایص مکانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و فرهنگی جوامع خود می‌باشند. به عبارت دیگر تنها، افزایش در تعداد شهرها و جمعیت شهرها نشان از گسترش شهرنشینی به شیوه متعارف آن نیست بلکه می‌تواند الگوهای دیگری غیر از این باشد که جای تحقیق و بررسی دارد. از جمله پژوهشگرانی که در این حوزه به مطالعه پرداخته «یلوین ویلی» است که بانگارش مقاله‌ای تحت عنوان: *UrbanStudies200*, (مجله) *Cities, September 29, 2012*, درج گردیده، تلاش داشته تا ضمن شناخت و برشمردن ویژگی الگوهای شهرنشینی در کشورهای شمال و جنوب جهان، میزان پیوند و ارتباط میان این دو الگوی شهرنشینی را با مبحث توسعه نیز موردسنجش و ارزیابی قرار دهد. در این مقاله ضمن اشاره به برخی قسمت‌های کلیدی مقاله ویلی، سعی می‌شود بسط و گسترش موضوع به سمت فرایند شهرنشینی در ایران و بررسی میزان پیوند میان شهرنشینی و توسعه هدایت گردد. در این راستا ابتدا وضعیت شهرنشینی کشورهای شمال و جنوب جهان، الگوهای مقارن با شهرنشینی، سیر تحولات شهری در این کشورها بررسی شده، سپس به بررسی فرایند شهرنشینی در ایران و طرح نظریه‌های گوناگون در باب شهرنشینی ایران و کشورهای جنوب پرداخته شده است. در پایان؛ به منظور بررسی صحت و سقم مباحث نظری، وضعیت شاخص‌های مختلف توسعه از جمله توسعه انسانی، اقتصادی و سرانه تولید ناخالص داخلی به تفکیک استان‌ها و مقایسه آن با نسبت شهرنشینی استان‌های کشور براساس دوره‌های زمانی ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۰ مورد تحلیل قرار گرفته است.

۲. ادبیات نظری تحقیق

۲-۱ شهرنشینی در کشورهای شمال و جنوب:

بررسی تفاوت فرایند شهرنشینی کشورهای جنوب با کشورهای شمال موضوع مطالعه بسیاری از محققان علوم شهری بوده است. از نظر برخی محققان «گسترش شهرنشینی در همه نقاط جهان به یک شکل صورت نگرفته است. برای مثال شهرنشینی در کشورهای توسعه‌یافته راهی را پیمود که می‌توان آن را به بهترین شکلی پیشرفت همواره توصیف نمود

که به موجب آن تغییرات تدریجی جمعیت با تحول آرام در ساختار اقتصادی هماهنگ بود. این روند را کینگزلی دیویس در قالب مفهوم کلاسیک چرخه شهرنشینی جمع‌آوری کرده است و این در حالی است که آهنگ رشد شتابان شهرنشینی که اخیراً جهان سوم را تحت تاثیر قرار داده است محصول دوران ۱۹۴۵ و پس از جنگ جهانی دوم است. اکثر کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته از چرخه شهرنشینی مربوط به مراحل اولیه رشد اقتصادی پیروی نکرده‌اند. این کشورها بسیار سریع‌تر از کشورهایی که در اوج صنعتی شدن خود بوده‌اند، شهرنشین شده‌اند.» (پاترو ایونز، ترجمه ایراندوست وهمکاران، ۱۹۹۸/۱۳۸۴: ۲۶ الی ۲۹)

ایلوین ویلی در مقاله سیستم‌های معاصر شهری و شهرنشینی جهانی با اشاره به روند شهرنشینی در کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته امروزی یا به اصطلاح شمال جهان یادآور می‌شود که «تاریخ جامعه شهری شده کاملاً جدید است. هرچند بسیاری از شهرهای نسبتاً بزرگ در سرتاسر دنیا تا اواخر قرن هجدهم وجود داشتند اما این تاریخ تا حدود شروع قرن بیستم که اولین جامعه شهری شده وارد عرصه حیات شد، موجود نبود. در آن زمان بریتانیای کبیر اولین جامعه ایبی بود که جمعیت شهری آن از جمعیت روستایی‌اش پیشی گرفت.» (Elvin Wyly, Urban Studies 200, 2012:1,2). وی سده بیستم را عصر مهیج شهرنشینی می‌داند، قری که کشورهای صنعتی شده اروپا و آمریکای شمالی از الگوی قابل تشخیص شهرنشینی عبور کردند. یک منحنی S شکل که در آغاز به‌کندی، به سمت بالا حرکت می‌کند، سپس به سمت بیرون یکنواخت می‌شود. (Elvin Wyly, Urban Studies 200, 2012:2) درباره شهرنشینی در کشورهای توسعه‌نیافته و به اصطلاح جنوب، هم او معتقد است که «تردیدی وجود ندارد که شهرنشینی امروزه، پدیده کشورهای نسبتاً فقیر جهان است. چنانکه رشد جمعیت فقیرترین کشورهای جهان حدود ۴/۶ درصد است یعنی هفت بار بیش تر از رشد جمعیت شهری کشورهای توسعه‌یافته ثروتمند امروزی است.» (Elvin Wyly, Urban Studies 200, 2012:2)

۲-۲ الگوهای مقارن شهرنشینی (شهرنشینی تصادفی):

یکی از مسایل اساسی مابین الگوی شهرنشینی کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته که ذهن بسیاری از صاحب نظران و محققان عرصه شهر را به خود مشغول ساخته است، پرسش‌های مهمی است که از تباین و تضاد مابین شهرنشینی سریع کشورهای فقیر جهان،

در مقایسه با میزان کند اما مداوم آن در کشورهای ثروتمند نشأت گرفته اند. مقاله "ابلوین ویلی" با طرح پرسش‌هایی همچون:

▪ آیا جوامع به سرعت در حال شهری شدن، از همان مسیر غنی ترین جوامع جهان تبعیت می‌کند؟

▪ و پیوند همزمان مابین شهرنشینی، صنعتی شدن و کامیابی چیست؟ سعی دارد به این سؤالات پاسخ‌های موجهی ارائه نماید. دربخشی از مقاله چنین آمده است « امروزه یقیناً سوابق بسیاری برای شتاب سریع شهرنشینی در دنیای جنوب دیده می‌شود. میانگین نرخ افزایش در نسبت جمعیت شهری برای کشورهای کم‌درآمد، تقریباً مشابه با همان شکل و صورت کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مابین ۱۸۹۰ و ۱۹۰۰ است.» ویلی در ادامه برای پاسخ به سؤالاتش سه دلیل ذیل را ذکر می‌کند و به دنبال هر دلیل مصداق‌هایی از دنیای شهرنشینی معاصر یا گذشته را مثال می‌زند:

الف) امروزه بزرگی شهرنشینی شبیه هیچ دوره ایی که از قبل تا به حال دیده ایم، نیست.

ویلی در ذکر مصداق دلیل اول دسته‌ای از کشورهای در حال توسعه جهان معاصر را با کشورهای قرن نوزدهم مقایسه می‌کند و نسبت‌های جمعیت شهری این دودسته از کشورها را بررسی می‌نماید. و در این بررسی به تباین آشکار میان روند شهرنشینی این دودسته کشورها پی می‌برد و اشاره می‌کند ده هزار سال از تاریخ انسانی طول کشیده تا جمعیت شهری جهان به یک میلیارد نفر در حدود سال ۱۹۶۰ برسد اما تنها ۲۵ سال دیگر زمان می‌برد تا یک میلیارد دیگر به جمعیت شهری اضافه شود. میلیارد سوم مستلزم تنها ۱۸ سال زمان بوده و در حال حاضر سازمان ملل برای میلیارد چهارم حدود ۱۵ سال برآورد کرده است. این بهروشنی نشان از سرعت و شتاب خارج از حد روند شهرنشینی جهان معاصر که عمدتاً در حوزه کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد، دارد.

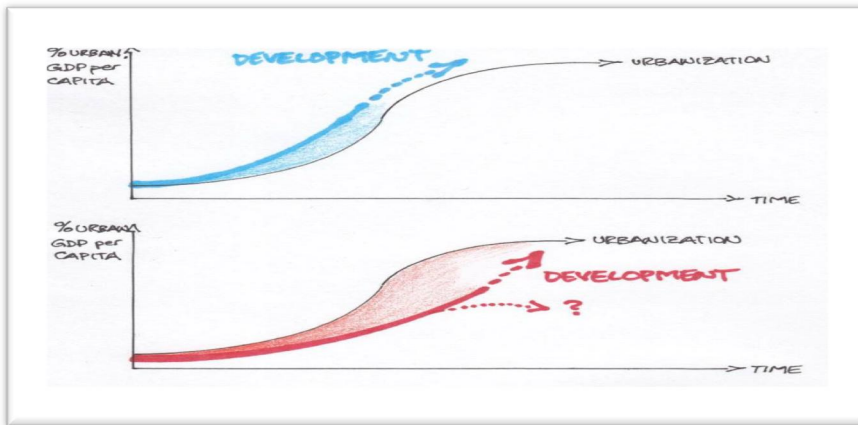
ب) تکرار هر بخشی از تاریخ شهرنشینی کشورهای شمال جهان، نه امکان دارد و نه مطلوب است.

ویلی در مصداق دلیل دوم به وضعیت و شرایط شهرنشینی اروپا در قرن نوزدهم اشاره می‌نماید که شهرنشینی اروپا در قرن نوزدهم نمایشی پیچیده بود، و بخش‌های زیادی از داستان وجود دارد که خواهان تکرار آن نیستیم. از لحاظ تاریخی میزان‌های بی سابقه

شهرنشینی در اروپای قرن نوزدهم به وسیله تقارن استعمارگرایی و سرمایه‌داری و با همه خشونت‌ها و خلع‌ید از جنگ امپراتوری‌ها، استثمار و بردگی جلو رفته بودند. مساله دیگر این است که نخستین کشورهای متحول شده توسط سرمایه‌داری صنعتی امتیازی انحصاری داشتند. امروزه، هر کشور در حال شهری شدن با رقابت سختی در بازی توسعه اقتصادی مواجه است. اروپا، ایالات متحده، استرالیا و ژاپن رقبای دیرینی در امر توسعه به شمار می‌روند.

پ) ممکن است پیوند میان شهرنشینی و توفیق اقتصادی به وقوع بپیوندد تحولات صورت گرفته در جریان قرن نوزدهم در اروپا طوری رقم خورده که با خود پیوند نزدیک میان شهرنشینی و صنعتی شدن را به همراه داشته است. این پیوند، تمرکزهای بزرگ ثروت را تولید می‌کند. اما وقوع این امر در جهان معاصر، احتمال دارد یعنی وابسته به شرایط بسیاری است. در این زمینه به دو مثال کاملاً متضاد از کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کند که در یکی شهرنشینی و صنعتی شدن به موازات هم به پیش رفته‌اند. تایوان، هنگ‌کنگ، کره جنوبی و سنگاپور از آن جمله‌اند و در مثال دوم به کشورهای زیر صحرای آفریقا اشاره می‌کند که با وجود نرخ بالای رشد جمعیت شهری (۵/۲ درصد در سال) با کاهش شدید در سرانه ناخالص تولید داخلی (۰,۶۶ درصد کاهش در هر سال) مواجه بوده‌اند (Elvin Wyly, Urban Studies 200, 2012:6-8).

۲-۳ سیر تحولات شهری کشورهای شمال و جنوب جهان: ایلوین ویلی در مقاله خود روند تحولات شهری جهان را در ارتباط با توسعه با رسم دو نمودار به نحو بارزی به نمایش گذاشته است. نمودار اول مربوط به روند افزایش شهرنشینی کشورهای توسعه یافته و پیوند تنگاتنگ آن با سطح توسعه است. به عبارت دیگر توسعه رفاه تولید کرده و مردم را به شهرها می‌کشاند. نمودار دوم افزایش شهرنشینی را در پیوندی ضعیف با سطح توسعه در کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه نشان می‌دهد. به عبارت دیگر فرایند توسعه شهرنشینی را در این کشورها سبب نشده است، بلکه در اثر جنگ، استعمار و فقر روستایی هجوم به شهرها و زندگی در آنها، گسترش یافته است.



نمودار شماره ۱: روند شهرنشینی در کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته و ارتباط آن با سطح توسعه منبع: (Elvin Wyly, Urban Studies 200, 2012:4)

۲-۴ دیدگاه‌های گوناگونی در خصوص شهرنشینی در ایران زمین ارائه و مطرح شده که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

۲-۴-۱ **مدرنیزاسیون:** این دیدگاه سیری خطی و تکاملی برای دستیابی به توسعه را مدنظر دارد. اوج این دیدگاه در مراحل پنج‌گانه روند توسعه پیشنهادی روستو دیده می‌شود. روستو مراحل سنتی، گذار، خیزش، حرکت به سوی بلوغ و مصرف انبوه را در ادامه یکدیگر برمی‌شمرد. در دیدگاه کلی نوسازی درهم ریختن ساختارهای سنتی و برپاسازی ساختارهای نوین برای به‌کارگیری عناصر نوین با استفاده از تجارب کشورهای شمال لازمه سیر تکاملی توسعه است. این دیدگاه با پذیرفتن انگاره کشورهای شمال به‌عنوان عالی‌ترین سطح توسعه خواهان رفع موانع درونی جوامع جنوب و یاری گرفتن از برون است و راهبرد صنعتی شدن شهری را محور می‌داند. (صرافی، ۱۳۷۹: ۲۴) همچنین در جهان توسعه یافته، توسعه اقتصادی و شهرنشینی با فرایند صنعتی شدن و نوسازی پیوند زده شده است. از این رو بلافاصله در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، نظریه پردازان غربی بر ضرورت صنعتی شدن شهرها برای توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم تأکید کردند (Pacione Michael "Urban Geography a global perspective, 2001: 433)

۲-۴-۲ **نظریه اقتصاد سیاسی فضا:** این دیدگاه در درون خود نظریه‌های گوناگونی را جای داده است؛ که از آن میان به نظریه وابستگی اشاره می‌شود. نظریه وابستگی و

شهرنشینی در واقع کوششی است جهت به‌کارگیری نظرات مکتب وابستگی برای تحلیل شهرنشینی جهان سوم. این مکتب منعکس‌کننده ناخرسندی عمیق محققان جهان سوم از دیدگاه‌های رسمی توسعه چه در قالب مدرنیزاسیون و چه در قالب نوسازی محسوب می‌شود. (پیران، ۸۰)

۳-۴-۲ نفت و اقتصاد سیاسی: باروی کار آمدن نظام حاکمیتی جدید و تبدیل نفت به منبع مهم اصلی کسب درآمد دولت، زمینه‌های ورود کشور به بازارهای بین‌المللی هموارو تسریع گردید و از طرف دیگر به عاملی شتاب بخش در نوسازی ارکان کشور تبدیل گردید. کاتوزیان در کتاب نفت و اقتصاد سیاسی معتقد است نفت منبع کمیاب و کارای انرژی است که می‌تواند در حوزه وسیعی در تولید انرژی و تولید فراورده‌های صنعتی بی‌شمار مورد استفاده قرار گیرد. از نظر کشورهای تولیدکننده بارزترین ویژگی تولید، صدور و درآمد نفت این است که جز در مراحل اولیه-تقریباً احتیاجی به ابزار تولید بومی ندارد. به‌ویژه مشارکت نیروی کار بومی در تولید نفت ناچیز است. در مقابل عواید نفت به‌صورت منبع درآمد سرشار و مستقل برای دولت درمی‌آید. بنابراین عواید نفت در واقع نوعی بهره مالکانه است که یکجا و مستقیماً به دولت پرداخت می‌شود. این عواید هنگامی که تا حدی افزایش یافته و دست‌کم ۱۰ درصد تولید ملی را تشکیل دهند، استقلال غیرعادی اقتصادی و سیاسی دولت را از نیروهای مولد و طبقات اجتماعی فراهم می‌آورند" (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۲۸۹).

۳-۴-۴ توسعه برون‌زا و شهر در ایران: از نگاه دکتر پیران شکل‌گیری شهرها و افزایش نسبت شهرنشینی ایران در عصر جدید ناشی از روند توسعه پیوسته و یکپارچه در سیر تکاملی یا تحولی نظام اجتماعی، اقتصادی کشور به مثابه روندی که کشورهای توسعه‌یافته طی کرده‌اند، نبوده بلکه با انقطاع و گسست از شرایط تاریخی درون به فرایند توسعه برون‌زای نشأت گرفته از نیازها و خواست‌های کشورهای توسعه‌یافته روی آورده است. در واقع توسعه برون‌زا که از نیازهای نظام جهانی سرمایه‌داری نشأت می‌گیرد شهرگرا و تمرکز طلب است. لیکن چنین گرایشی در مقام مقایسه باشهرگرایی درون‌زای اروپای غربی شدیدتر است. (پیران، ۴۵)

۳-۴-۵ دولت و شهرنشینی: رهنمایی در طرح موضوع مقاله خود یک معادله دو وجهی را مطرح می‌کند که یک وجه آن را دولت و یک وجه دیگر را شهر و شهرنشینی تشکیل می‌دهند. به اعتقاد ایشان این دو همواره در طول تاریخ، همراه و همنشین یکدیگر بوده‌اند و

آنچه باعث تمایز مابین شهرنشینی گذشته و معاصر ایران بوده، تفاوت در ساختار نظام حکومت‌های سنتی و جدید می‌باشد. حکومت و دولت جدید با منسوخ کردن شیوه واگذاری مناطق کشور به حکام، نظام متمرکزی با دیوان‌سالاری جدید، به وجود آورد. در این دیوان‌سالاری جدید منابع درآمدی کشور در وزارت دارایی متمرکز می‌شد و اداره امور ایالات و ولایات که در تقسیم‌بندی جدید کشور، استان، شهرستان، بخش و دهستان نامیده شدند و بر اساس میزان اعتبارات تخصیص داده‌شده، به کارگزاران منصوب دولت، یعنی استانداران، فرمانداران و بخشداران واگذار شد. بدین ترتیب دولت با نهادینه کردن ساختارهای جدید، عملاً مدیریت‌های کشوری، منطقه‌ای و شهری را در حوزه اقتدار و تصمیم‌گیری خود قرارداد و توانست از طریق نهادهای قانونی مستقر در شهرها، عملاً اراده حاکمیتی خود را بر جوامع شهری و غیرشهری اعمال نماید (رهنمایی، ۱۳۸۸: ۱۵۱)."

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱ شهرنشینی و توسعه در ایران: طبق مطالعات کاستللو جمعیت شهری ایران بین سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۳۱۹ هجری شمسی از ۲/۱ به ۳/۲ میلیون نفر افزایش یافت که ۲۱ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دادند. لاپیدوس در کتاب شهرهای خاورمیانه می‌نویسد که در سال ۱۲۹۰ شمسی تعداد شهرهای با بیش از ۱۰,۰۰۰ هزار جمعیت، ۴۵ شهر بوده که جمعیتی معادل یک‌میلیون و هفتصد هزار نفر داشته است (عابدین درکوش، ۱۳۷۲: ۳۳). و این در حالی است که اولین آمارگیری رسمی و سراسری کشور در سال ۱۳۳۵ هجری شمسی بوده و برآوردهای نسبتاً دقیق و جامع از جمعیت شهرنشین کشور از این دوره به بعد امکان‌پذیر شده است. آنچه واضح است اینکه جمعیت ۱۹ میلیونی کشور در سال ۳۵ به ۷۴ میلیون در سال ۹۰، افزایش یافته است که حاکی از چهار برابر شدن جمعیت کشور است، جمعیت شهری کشور نیز از ۶ میلیون در سال ۳۵ به ۵۳ میلیون در سال ۹۰ رسیده که نشان از ۶ برابر شدن جمعیت شهری کشور در این پنج دهه دارد.

جدول شماره ۱: روند افزایش جمعیت کشور طی دوره‌های سرشماری

سال سرشماری	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
تعداد جمعیت	۱۸,۹۰۰,۰۰۰	۲۵,۰۰۰,۰۰۰	۳۳,۰۰۰,۰۰۰	۴۹,۰۰۰,۰۰۰	۵۵,۸۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۰,۰۰۰,۰۰۰	۷۴,۰۰۰,۰۰۰

منبع: مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲: روند افزایش جمعیت شهری کشور طی دوره‌های سرشماری

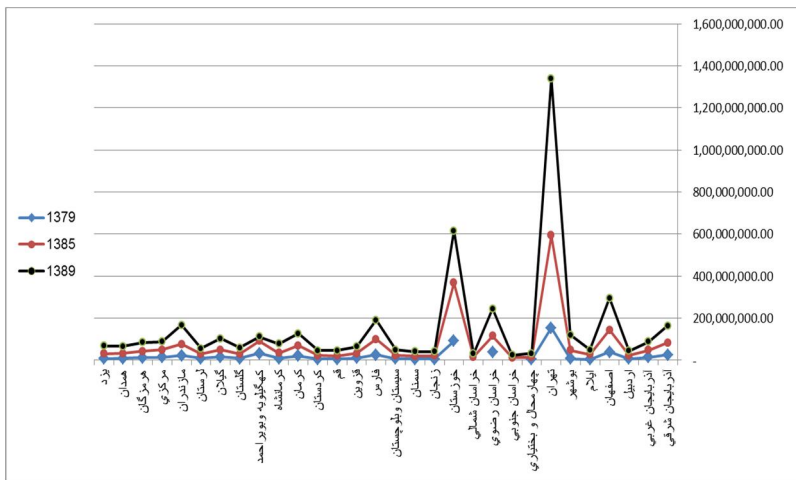
سال	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
جمعیت شهری	۵,۹۰۰,۰۰۰	۹,۷۰۰,۰۰۰	۱۵,۸۵۰,۰۰۰	۲۴,۸۴۵,۰۰۰	۳۱,۸۰۰,۰۰۰	۳۴,۸۰۰,۰۰۰	۴۸,۰۰۰,۰۰۰	۵۳,۳۲۰,۰۰۰
درصد جمعیت شهری	۳۱,۴	۳۸	۴۷	۵۴	۵۷	۶۱	۶۸	۷۲

منبع: مرکز آمار ایران

۲-۳ شاخص تولید ناخالص داخلی: هماهنگی و همخوانی میان شاخص تولید

ناخالص داخلی مناطق با نسبت‌های شهرنشینی نشان از میزان توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی مناطق دارد. چنانچه میان این دو شاخص، روندی افزایشی بدون گسست و فاصله از هم جریان داشته باشد می‌توان گفت که شهرنشینی محرک توسعه است یا به بیان دیگر در اثر توسعه واقعی که یکی از علایم مشخصه آن افزایش سطح درآمد و تولید ناخالص داخلی است، شهرنشینی رونق گرفته است. از طرف دیگر چنانچه میان این دو روندی کاهشی همراه با گسست و فاصله مشاهده گردد عکس این قضیه صادق خواهد بود. بررسی این شاخص در کل کشور حاکی از افزایش مداوم این شاخص طی یک دهه گذشته دارد. از آنجایی که اقتصاد ایران تا اندازه بسیار زیادی تک‌محصولی و وابسته به نفت می‌باشد لذا بیشترین سرمایه‌گذاری‌ها در آن صورت می‌گیرد و بیشترین درآمدهای کشور نیز از این بخش حاصل می‌شود، و همین امر موجب شده تا این بخش از افزایش به‌مراتب بیش‌تری نیز نسبت به محصول ناخالص داخلی بدون نفت برخوردار باشد. مطالعه این شاخص در سطح استان‌های کشور طی یک دهه گذشته (دوره‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) حاکی از آن

است که برخی استان‌ها همواره در صدر بالاترین میزان تولید ناخالص داخلی قرار داشته‌اند و برخی استان‌های دیگر نیز با اندکی جابه جایی همواره در ذیل پایین‌ترین میزان محصول ناخالص داخلی کشور واقع شده‌اند. این مطالعات استان‌های تهران، خوزستان، اصفهان، خراسان رضوی، فارس، و در این اواخر مازندران، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد را در صدر و استان‌های چهارمحال و بختیاری، خراسان‌های جنوبی و شمالی، سمنان، قم، زنجان، اردبیل، کردستان و سیستان و بلوچستان را در قعر جدول محصول ناخالص داخلی نشان می‌دهند.



نمودار شماره: ۲ محصول ناخالص داخلی استان‌های کشور با احتساب نفت طی یک دهه گذشته
منبع: مرکز آمار ایران (میلیون ریال)

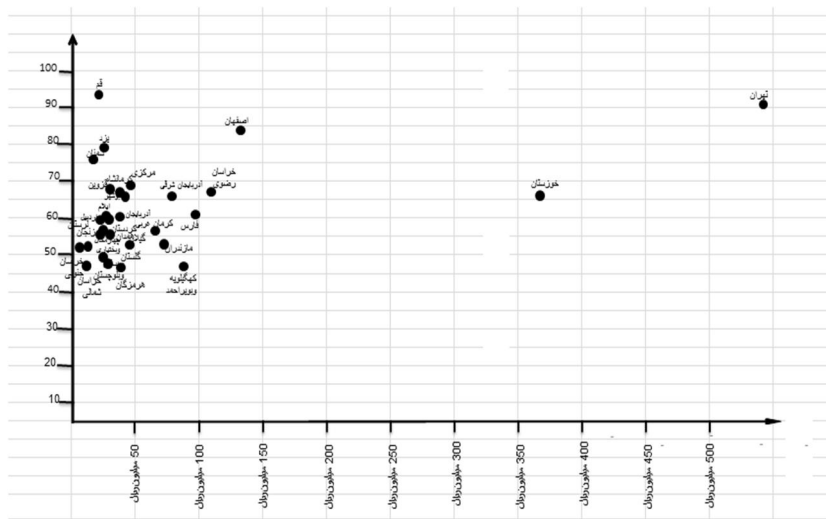
۳-۳ نسبت‌های شهرنشینی: بررسی نسبت‌های شهرنشینی استان‌های کشور طی سه دوره زمانی (۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰) دامنه وسیع و متفاوتی از ۴۱ درصد در سال ۱۳۷۵ الی ۹۵ درصد در سال ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد. بر اساس نتایج سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۰ حدود یک‌سوم استان‌ها از نسبت شهرنشینی زیر ۶۰ درصد برخوردار هستند. در طی این سه دوره زمانی به ترتیب استان‌های تهران، اصفهان، خراسان رضوی وقت (که یک استثنا به شمار می‌رود)، یزد، سمنان و مرکزی بیش‌ترین میزان جمعیت شهری را داشته‌اند. مقایسه این وضعیت با میزان محصول ناخالص داخلی استان‌ها مبین این واقعیت است به‌جز تهران، اصفهان، خراسان رضوی و تا اندازه‌ای خوزستان که مناسبت و هماهنگی میان سطح و درجه شهرنشینی آن‌ها با محصول ناخالص داخلی وجود دارد در سایر

استان های که دارای محصول ناخالص داخلی بالا هستند، این وضعیت به چشم نمی خورد. از سوی دیگر استان هایی که از سطح محصول ناخالص داخلی پایینی برخوردارند از نسبت های بالای شهرنشینی برخوردار هستند. ترسیم نمودار پراکنش مقادیر نسبت های شهرنشینی و تولید ناخالص داخلی استان ها طی این سه دوره زمانی گویای آن است که در دوره های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ تمرکز بالای استان های کشور نزدیک به نود درصد و شاید بیش تر در مقادیر زیر ۵۰ میلیون ریال و با نسبت های شهرنشینی متنوع از ۴۵ تا ۹۰ درصد بوده است و صرفا استان های تهران، خوزستان و اصفهان با فاصله ای بسیار بیش تر به لحاظ محصول ناخالص داخلی و نسبت های شهرنشینی دارای وضعیت مطلوبی می باشند. همین نمودار در سال ۹۰ روندی به مراتب متفاوت از دو دوره قبل را نشان می دهد. یعنی از تمرکز بالای استان های واقع در رده مقدار ۵۰ میلیون محصول ناخالص داخلی کاسته شده و نوعی پراکندگی بیش تر در استان ها بر روی نمودار دیده می شود. تعداد استان های واقع در مقادیر بالای محصول ناخالص داخلی (۱۵۰ میلیون ریال) به هفت استان افزایش می یابد. و نسبت های شهرنشینی نیز افزایش چشمگیری نشان می دهد.

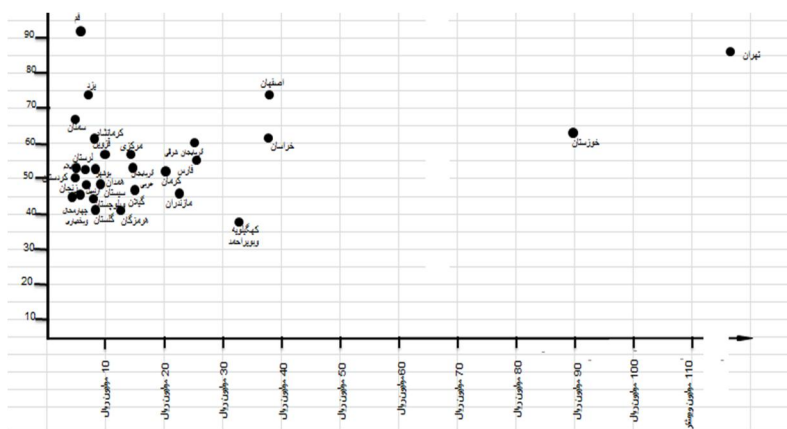
جدول شماره: ۳ مقایسه نسبت‌های شهرنشینی با محصول ناخالص داخلی آن‌ها (میلیون ریال) طی سه دوره

دوره زمانی	1379	نسبت شهرنشینی	1385	نسبت شهرنشینی	1389	نسبت شهرنشینی
استانها		1375		1385		1390
آذربایجان شرقی	24921276	60	83248270	66.6	163684227.9	69.2
آذربایجان غربی	13961453	52.6	46949300	60	88841963.75	62.7
اردبیل	6383852.5	48.6	22171414	58.2	43691200.84	64
اصفهان	38820909	74	143122348	83	295626936.4	83
ایلام	3925356	53	26727692	60.7	48878057.12	64
بوشهر	6544400.9	53	48100914	65	119549682.4	68
بهران	153727791	86	594282894	91.3	1339968648	93
چهارمحال و بختیاری	3831004.4	45	14621826	51.5	31955344.26	58
خراسان جنوبی		41	11714629	51	24419354.62	56
خراسان رضوی	39129637	61	115668944	68	245242983	72
خراسان شمالی		40	15924572	48	31036513.01	51.5
خوزستان	90851181	62.5	367522671	67	614724954.6	70.5
زنجان	5563848.4	47.6	21134007	58	41264069.84	62.5
سمنان	4721078.5	68	18717694	74.7	40098406.66	77
سیستان و بلوچستان	6930924.3	46	23130548	49.6	49769443.51	49
فارس	25938924	56.6	99239966	61	191267287.1	67.5
قزوین	10050018	57	32639547	68	65131652.19	73
قم	5887767.9	91	21437116	93.9	46672606.21	95
کردستان	5978948.9	52.4	22307822	59.4	45265632.55	64
کرمان	20140011	52.8	68729645	58.5	126690641.7	57.5
کرمانشاه	8750149.3	61.7	33640496	66.8	77813375.58	69.7
کهگیلویه و بویراحمد	32660408	39	90684007	47.6	111436217.8	52
گلستان	9058311.7	41	28729116	49	59753641.98	51
گیلان	15685794	46.8	49605951	53.8	102743585.7	60
لرستان	8247290.7	53.6	28397804	59.4	55220029.7	61
مازندران	21983852	45.9	75732442	53	167505902	55
مرکزی	13817699	57	49399119	69	87948795.28	74
هرمزگان	11966661	41.8	41790842	47	83997765.43	50
همدان	9040072.1	48	32417027	57.5	66442052.17	59
یزد	7230171.8	72.8	30376425	79.7	67715922.57	83

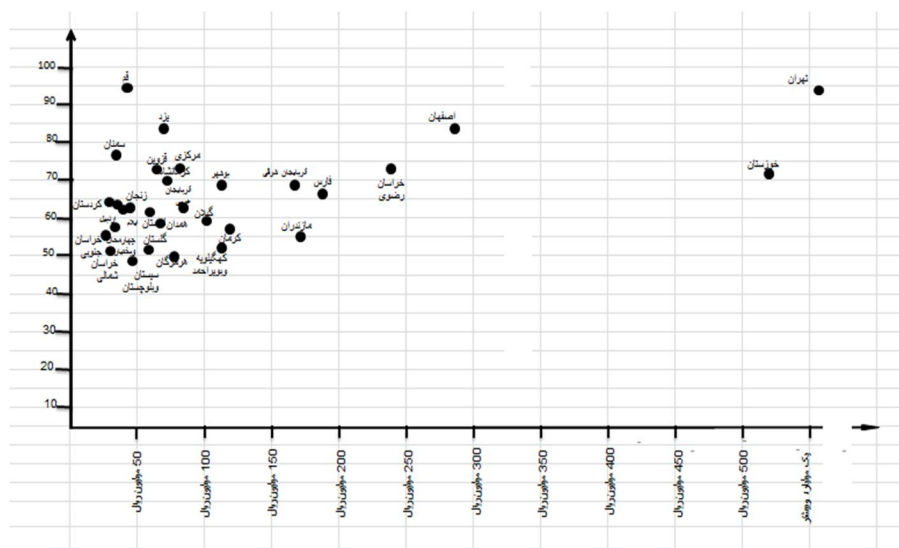
منبع: محاسبات نگارندگان بر اساس منابع مرکز آمار ایران



نمودار شماره ۳: مقایسه تولید ناخالص داخلی استان‌ها در سال ۱۳۷۹ با نسبت‌های شهرنشینی استان‌ها ۱۳۷۵.



نمودار شماره ۴: مقایسه تولید ناخالص داخلی استان‌ها در سال ۱۳۸۵ با نسبت‌های شهرنشینی استان‌ها ۱۳۸۵. منبع: محاسبات نگارندگان



نمودار شماره ۵: مقایسه تولید ناخالص داخلی استان‌ها در سال ۱۳۹۰ با نسبت‌های شهرنشینی استان‌ها ۱۳۹۰. منبع: محاسبات نگارندگان

۴-۳ شهرنشینی و شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی:

الف) توسعه انسانی: شامل فرایند گسترش فرصت‌های انتخاب افراد برای تحصیل و آموزش، مراقبت بهداشتی، درآمد، اشتغال و غیره است. شاخص توسعه انسانی، ترکیبی از میزان‌های متعادل شده امید به زندگی، سواد، تحصیلات و تولید سرانه ناخالص ملی می‌باشد. شاخص توسعه انسانی در واقع میانگین این سه شاخص است. بر اساس معیارهای توسعه انسانی بهبود در وضعیت اقتصادی و معیشتی، ارتقای سطح آموزش و دسترسی به آن برای آحاد یک جامعه، طولانی شدن عمر و افزایش سلامتی افراد جامعه سطح توسعه انسانی را بالایی برد. (نیسی، ۱۳۸۹: ۶۰) نتایج مطالعات نیسی در خصوص شاخص امید به زندگی در سال ۱۳۸۵ و شاخص سواد استان‌ها نشان می‌دهد که در شاخص امید به زندگی بیشترین نسبت‌های امید به زندگی متعلق به استان‌های تهران، یزد، اصفهان و قزوین و کمترین میزان متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان و ایلام می‌باشد. در شاخص سواد جمعیت؛ بیشترین درصدها متعلق به استان‌های تهران، سمنان، یزد، اصفهان و فارس و کمترین میزان سواد متعلق به اردبیل، خراسان شمالی، آذربایجان

غربی، کردستان و سیستان و بلوچستان است. بر اساس این مطالعه، درزمینه شاخص‌های توسعه انسانی استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمان، آذربایجان غربی، ایلام از بدترین وضعیت استان‌های تهران، یزد، اصفهان، فارس و یزد از بهترین وضعیت برخوردارند. (ب) توسعه اقتصادی: از جمله عوامل موثر و تاثیرگذار بر فرایند شهرنشینی یک کشور یا یک استان، میزان توسعه‌یافتگی یا توسعه‌نیافتگی اقتصادی آن است. بررسی شاخص توزیع جمعیت فعال ۱۰ ساله و بیش تر برحسب میزان شاغلان بیکاران نقاط شهری در سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد استان‌های خراسان رضوی، قم، تهران، سمنان، آذربایجان غربی و بوشهر بیشترین درصد شاغلان جمعیت فعال ده‌ساله و بیش تر را داشته‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام از کمترین درصد شاغلان و بیشترین میزان بی‌کاران کشور در سال ۱۳۸۵ برخوردار بوده‌اند.

جدول شماره ۴: مقایسه شاخص‌های توسعه انسانی و اقتصادی استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵

استان‌ها	رتبه باسوادی	نرخ باسوادی	نرخ بی‌سوادی	رتبه استان‌ها برحسب نرخ اشتغال ۱۳۸۵	رتبه	نرخ اشتغال	نرخ بیکاری
تهران	۱	۹۱/۳	۸۷	خراسان رضوی	۱	۹۳	۱۱
سمنان	۲	۸۸/۳	۱۱/۷	قم	۱	۹۳	۹/۷
یزد	۳	۸۷/۷	۱۲/۳	تهران	۳	۹۱/۵	۸
اصفهان	۴	۸۷/۴	۱۲/۶	سمنان	۲	۹۱/۵	۱۷
فارس	۵	۸۶/۶	۱۳/۴	آذربایجان غربی	۳	۹۱	۱۱
بوئسهر	۶	۸۶/۴	۱۳/۶	بوئسهر	۳	۹۱	۹
قم	۷	۸۶/۱	۱۳/۹	یزد	۳	۹۱	۲۲
خراسان رضوی	۸	۸۶/۱	۱۳/۹	خراسان شمالی	۴	۹۰/۵	۱۰/۵
قزوین	۹	۸۵/۵	۱۴/۵	هرمزگان	۵	۹۰/۳	۹
مازندران	۱۰	۸۴/۹	۱۵/۱	مرکزی	۶	۸۹/۵	۹/۵
مرکزی	۱۱	۸۳/۷	۱۶/۳	اصفهان	۷	۸۹	۸/۵
خوزستان	۱۲	۸۳/۶	۱۶/۴	فارس	۷	۸۹	۱۶
گیلان	۱۳	۸۳	۱۷	قزوین	۷	۸۹	۲۳
کرمان	۱۴	۸۲/۵	۱۷/۵	مازندران	۷	۸۹	۱۳/۸
همدان	۱۵	۸۲/۴	۱۷/۶	آذربایجان شرقی	۸	۸۸/۹	۱۱
چهارمحال و بختیاری	۱۶	۸۲/۳	۱۷/۷	زنجان	۹	۸۸	۱۴/۵
کرمانشاه	۱۷	۸۲	۱۸	همدان	۱۰	۸۷/۵	۲۱/۵
هرمزگان	۱۸	۸۲	۱۸	اردبیل	۱۱	۸۷	۸/۵
گلستان	۱۹	۸۱/۹	۱۸/۱	خراسان جنوبی	۱۲	۸۶	۱۱
ایلام	۲۰	۸۱/۸	۱۸/۲	گلستان	۱۲	۸۶	۱۱/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۲۱	۸۱/۴	۱۸/۶	چهارمحال و بختیاری	۱۳	۸۵	۸
زنجان	۲۲	۸۱/۳	۱۸/۷	گیلان	۱۳	۸۵	۲۷
آذربایجان شرقی	۲۳	۸۱/۲	۱۸/۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۴	۸۴	۱۲
لرستان	۲۴	۸۱	۱۹	کرمان	۱۵	۸۳	۲۶/۵
خراسان جنوبی	۲۵	۸۰/۲	۱۹/۸	خوزستان	۱۶	۸۱/۵	۱۸/۵
اردبیل	۲۶	۷۹/۸	۲۰/۲	سیستان و بلوچستان	۱۷	۷۸/۵	۱۳/۵
خراسان شمالی	۲۷	۷۸/۹	۲۱/۱	کردستان	۱۸	۷۸	۱۳
آذربایجان غربی	۲۸	۷۷/۵	۲۲/۵	کرمانشاه	۱۹	۷۷	۱۵
کردستان	۲۹	۷۷/۱	۲۲/۹	لرستان	۱۹	۷۳/۵	۱۴
سیستان و بلوچستان	۳۰	۶۷/۴	۳۲/۶	ایلام	۲۰	۷۳	۹

منبع: مرکز آمار ایران

۵-۳ نتیجه گیری

فرایند شهرنشینی در ایران ترکیب و تلفیقی از مجموع نظریه‌های ارائه شده در زمینه شهرو شهرنشینی بوده است. از یکسو درتلاشی بی‌وقفه و پیگیر برای نوسازی و مدرن ساختن کشور طی نزدیک به یک سده قبل، اقدام به ایجاد زیرساخت‌های لازم برای صنعتی شدن کشور شده است. از سوی دیگر در این فرایندها، دولت کارگزار و کارفرمای اصلی نوسازی کشور، صنعتی شدن و برنامه‌ریز اصلی در توسعه و گسترش شهرها و شهرنشینی به مدد دستگاه متمرکز دیوان سالار و منابع مالی ناشی از درآمدهای نفتی بوده است. این در حالی است که شهرنشینی و توسعه اقتصادی، اجتماعی کشور نه بر مبنای نیاز وضروت های بومی و داخلی کشور بلکه بر اساس خواست خارجی و تمایل به هماهنگ شدن با تحولات جهانی صورت گرفته و از جانب دیگر شهرو روستا در ایران نه به صورت موزون و متعادل و در طی یک فرایند تکاملی تاریخی، بلکه با رابطه و پیوندی یک‌سویه عمدتاً به نفع سنگینی کفه ترازوی شهر توسعه پیدا کرده و متحول شده است. در واقع شهرنشینی ایران طی اعصار و دوره‌های مختلف تاریخی به جز شباهت‌های کالبدی و عملکردی، فاقد مشابهت‌های نهادی، تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به سبک جوامع غربی است. در جریان گسترش شهرنشینی و افزایش تعداد شهرها و جمعیت شهری طی چند دهه اخیر، به دلیل عدم پیوند و پیوستگی با روندهای تاریخی این مرزو بوم مناسبی با سطح توسعه نداشته و شهرنشینی مسیری جدا از توسعه را طی نموده است. به عبارت دیگر هرچند فرایندهای نوسازی کشور در عرصه‌های حکومتی، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی از اوایل سده حاضر شروع شده است اما به دلیل عدم هماهنگی این تغییرات با سطح نیاز و خواسته‌های مردم کشور، مشارکت در امر توسعه بسیار پایین بوده است. حرکت نظام اقتصادی کشور نیز به سمت اقتصادی تک‌محصولی مبتنی بر نفت که از حداقل نیروی انسانی بومی کشور بهره می‌گیرد نیز مزید بر علل پیشین بوده و علناً بخشی از سکونتگاه‌های کشور یعنی روستاها را به حاشیه رانده و شهرها بدون هیچ‌گونه رابطه نظام‌مند با روستاها رشدی سرسام‌آور یافته‌اند و عملاً بخش کشاورزی در نظام اقتصادی به فراموشی سپرده می‌شود. این آشفتگی در نظام فضایی-اقتصادی منجر به گونه‌ایی از شهرنشینی در این سرزمین گردیده است که فاقد هرگونه پیوند با میزان توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد و این در حالی است که با متمرکز شدن بروی فرایند گسترش شهرنشینی مناطق مختلف کشور اغلب با قطعاتی منفصل و متفاوت از هم مواجه می‌شویم که مثال بارز آن در مقایسه نسبت شهرنشینی

استان‌ها با شاخص‌های توسعه اقتصادی، انسانی یا میزان تولید ناخالص داخلی استان‌ها نمودار می‌شود. نتایج حاصل از بررسی‌های صورت گرفته از یک بعد به‌وضوح نشان از بالا رفتن میزان شهرنشینی در استان‌های کشور همزمان با افزایش در محصول تولید ناخالص ملی دارد، اما همزمان شکاف و فاصله میان استان‌های برخوردار و محروم نیز پیوسته در حال گسترش می‌باشد. به‌طوری‌که تعداد کمی از استان‌های کشور با سرعت و شتاب بیش‌تری هم در نسبت شهرنشینی و هم در شاخص‌های توسعه از سایر مناطق دیگر کشور پیشی می‌گیرند؛ و این امر خود حاکی از عدم تعادل و نابرابری‌های شدید منطقه‌ای در سطح کشور دارد. ناهماهنگی و همبستگی ضعیف میان سطح توسعه اقتصادی، اجتماعی با نسبت‌های شهرنشینی در میان استان‌های محروم شدت بیش‌تری داشته و در میان استان‌های برخوردار شدت کم‌تری دارد. اما آنچه مبرهن است اینکه میان توسعه و شهرنشینی در ایران همبستگی پایینی وجود دارد طوری که بیش‌ترین میزان تولید ناخالص داخلی در استان‌هایی مشاهده می‌شود که هم در سایر شاخص‌های توسعه اقتصادی-انسانی و هم در نسبت‌های شهرنشینی از میزان پایینی برخوردار هستند.

منابع و مأخذ:

۱. نیسی، ع (۱۳۸۹). شاخص های توسعه انسانی در استان های ایران. ۱۳۸۵. در: فصلنامه علمی-پژوهشی علوم بهداشتی، شماره دوم، سال دوم. ۵۶ تا ۶۱
۲. عابدین درکوش، س (۱۳۷۲). درآمدی به اقتصاد شهری. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۳۳
۳. رهنمایی، م.ت (۱۳۸۸). دولت و شهرنشینی در ایران (مبانی و اصول کلی نظریه توسعه شهروشنشینی در ایران) در: فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، پیش شماره پاییز و زمستان، صفحات ۱۴۳ تا ۱۶۵
۴. پیران، پ. توسعه برون زا و شهر مورد ایران در: فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره سی ام، صفحه ۴۵
۵. کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۹). اقتصاد سیاسی ایران-از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. مترجم: محمدرضا نفیسی و عزیزی. چاپ هفتم. تهران. نشر مرکز. صفحات ۲۸۹ تا ۲۹۴
۶. شکویی، حسین (۱۳۸۳). دیدگاههای نودر جغرافیای شهری (۱). تهران. انتشارات سمت. چاپ هفتم. صفحه ۴۴۰
۷. پیران، پرویز. دیدگاههای نظری در جامعه شناسی شهروشنشینی در: فصلنامه سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۱ و ۵۲، صفحات ۷۵ تا ۸۰
۸. صرافی، مظفر (۱۳۷۹). مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه ای. چاپ دوم. تهران. سازمان مدیریت و برنامه ریزی. صفحه ۲۴
۹. فکوهی، ن. (۱۳۹۰). انسان شناسی شهری. چاپ هفتم. تهران. نشرنی. صفحات ۳۷۷ تا ۳۷۸
۱۰. پاتر، ر. وایونز، س. (۱۳۸۴). شهر در جهان در حال توسعه. مترجم: ایراندوست و همکاران. چاپ اول. تهران. انتشارات سازمان شهرداریهای کشور. صفحات ۲۶ تا ۲۹
۱۱. نتایج سرشماری رسمی نفوس و مسکن سال های ۱۳۷۵ لغایت ۱۳۹۰، مرکز آمار ایران
12. Wyly, Elvin(2012)" Contemporary Urbanization and Global City-Systems"Urban Studies 200, Cities,September 29,PP.1-26
13. vista.ir/article/233617
14. Pacione, Michael (2001)"Urban Geography a global perspective", Great Britain, P: 433